روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵، امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ: ■ افست: کیلومتر ۴ جاده آبعلی، روبه روی خیابان سازمان آب، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی: خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه، پلاک ۶۹، تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۸۰۴ ■ دوشنبه ۱۹ تیر ۱۳۸۵ ■ ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۲۷ ■ ۱۰ جولای ۲۰۰۶

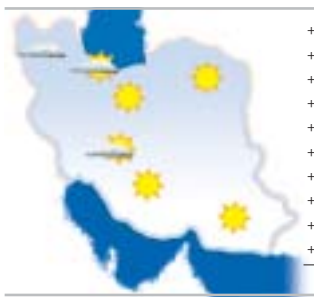

آبادان	+۳۳+۴۵	بیرجند	+۲۲+۳۶	سنندج	+۱۸+۳۹	همدان	+۲۲+۳۶
اراک	+۱۷+۳۷	تهران	+۲۹+۴۰	شهرکرد	+۲۴+۴۰	یاسوج	+۲۴+۴۰
اردبیل	+۱۶+۲۷	تبریز	+۱۳+۲۸	شیراز	+۱۷+۲۸	یزد	+۳۱+۴۰
ارومیه	+۱۶+۳۳	خرم‌آباد	+۲۳+۴۲	قزوین	+۲۲+۳۵	دبی	+۳۱+۴۱
اصفهان	+۱۹+۳۸	رشت	+۲۴+۲۹	کرمان	+۱۶+۳۱	نجف	+۲۹+۳۱
اهواز	+۲۹+۴۵	زاهدان	+۲۳+۳۸	کرمانشاه	+۲۳+۴۲	مکه	+۲۴+۳۸
ایلام	+۲۵+۳۷	زنجان	+۲۹+۴۵	کاشان	+۳۲+۳۶	مدینه	+۱۱+۲۱
بجنورد	+۲۱+۳۶	زابل	+۲۰+۲۹	کیش	+۲۳+۴۲	لندن	+۱۷+۲۵
بندرعباس	+۳۱+۴۷	ساری	+۲۲+۳۷	گرگان	+۲۰+۳۴	پاریس	+۱۶+۲۶
بوشهر	+۳۳+۳۵	سمنان	+۱۸+۳۹	مشهد	+۱۵+۳۹	استانبول	+۲۹+۳۱

تهران: اذان ظهر ۰۹ : ۱۲ اذان مغرب ۴۴ : ۱۹ اذان صبح فردا ۱۱ : ۳

ادامه از صفحه اول

■ خروج آنری و اخراج زیزو

وقت اضافی اول با همان فضای نیمه دوم مسابقه شروع شد. به این ترتیب فرانسه باز قدری تهاجمی تر از رقیب بود و ایتالیا در درجه اول چشم به مهار رقیب و سپس ضدحملات داشت. فرانسه امیدوار بود که در این مقطع از دیدار که حساسیت ها به اوج خود رسیده بود آنری جرقه بزند و یا پاس های عمقی زیزو کارساز واقع شود و ایتالیا نیز امیدوار بود که پاس های بلند «د روسی» و یا فرارهای دل پیرو و ضربات تونی اثر لازم را بگذارد. یکی از خطرناک ترین صحنه های این مقطع از مسابقه، پاس عمقی آنری و مانور و شوت زمینی پای راست ریبری بود که با کمترین فاصله از کنار تیر عمودی دروازه به اوت رفت و بوفون نفسی به راحتی کشید و ایتالیایی ها بسیار خوش اقبال بودند که از این ماجرا جستند. فقط ثانیه هایی بعد دومنک، ریبری را بیرون کشید و دیوید ترزگه را که در اکثر دیدارهای قبلی هم نیمکت نشین بود و به وی بها داده نمی شد، راهی میدان کرد. زیباترین صحنه در دقیقه ۱۰۲ خلق شد. آن هنگام که سانتر سانیول از سمت راست روی سر زیدان جفت و جور شد و ضربه سر «زیرطاقی» او را فقط دروازه بان توانایی مثل بوفون می توانست از درون دروازه بیرون بکشد و از گل شدن ضربه فوق العاده زیزو در واپسین بازی عمر وی جلوگیری کند. فریادی که زیدان و بوفون در این لحظه کشیدند نشان داد که چه فرصت و صحنه جالب و بزرگی خلق شده و بی ثمر مانده است. در

شروع وقت اضافی دوم دومنک آنری را بیرون کشید و ویلتورد را راهی میدان کرد اما حادثه بزرگ تر از آن اخراج شدن زیدان پس از تمام وقایع زیبایی بود که وی پیشتر خلق کرده بود. کاپیتان فرانسه در پی درگیری ای که با ماتراتزی داشت چنان عصبانی شد که ناگهان با سر توی سینه این مدافع کوبید و او را نقش زمین کرد و پس از یکی دو دقیقه صبر و توقف در بازی و رسیدن اطلاعات لازم به داور، او کارت قرمز را روبه روی زیزو گرفت و تلخ ترین واقعه شخصی را برای وی در شب خداحافظی او و در یکی از مهم ترین مسابقات عمر وی رقم زد و تیم فرانسه را ۱۰ نفره کرد و مهم تر این که یک شوک بزرگ روحی را به خروس ها وارد کرد. با این حال در دقایق باقی مانده وقت اضافی نیز فرانسه تا حدودی بیشتر از ایتالیا حمله می کرد و داشتن یک یار کمتر نسبت به رقیب نیز این وضعیت را عوض نکرد. با این وجود بازی با همان نتیجه ۱-۱ پایان گرفت و پنالتی ها از راه رسیدند.

■ فقط یک پنالتی فرانسه از دست رفت

در ضربات پنالتی فرانسه فقط یک پنالتی خود را از دست داد و آن ضربه دوم بود که «دیوید ترزگه»ی کم روحیه توپ را به زیر تیر افقی دروازه کوبید. ایتالیا در نقطه مقابل هر ۵ ضربه اش را توسط پیرلو، ماتراتزی، د روسی، دل پیرو و گروسو گل کرد و به این ترتیب ۳ پنالتی گل شده فرانسوی ها توسط ویلتورد، آبیدال و سانیول اثری به جا نگذاشت و ضربه آخر فرانسه هم چون بی اثر بود، نواخته نشد. به این ترتیب ایتالیا به برتری ۵-۳ در ضربات پنالتی رسید و برای چهارمین بار طی تاریخ ۷۶ساله برپایی این مسابقات به عنوان قهرمانی رسید و اجازه نداد که خداحافظی زیدان پرشکوه تر شود و دومین قهرمانی فرانسه شکل گیرد. به واقع این یکی از تلخ ترین پایان هایی بود که می شد برای زیزو تلقی کرد. در صحنه های بعدی شادی فراوان مردان ایتالیا که قهرمان شده بودند و غم عظیم فرانسوی ها که در یک قدمی فتح جام ناکام مانده بودند، در تقابل کامل با یکدیگر قرار داشت و چشم ها را خیره می کرد و پایانی پرماجرا و کامل را برای جام هجدهم به تصویر کشید.

شرق امروز در دو چاپ منتشر شد

خبر آخر

بازگشت پس از تودیع

حساب کتاب

امیرحسین مهدوی: دو ماهی می گذرد از روزی که توصیفی یک ستونی از مدیریت یک مدیر نوشتیم: «چرخشگر». صفتی که به دید داوران با تخفیف و از نگاه دوستان ناجوانمردانه به احمد قلعه بانی بار شده بود. حالا سه هفته ای از معرفی جانشین او برای عضویت در هیات مدیره سایپا می گذرد. ماه پیش به دنبال انتصاب ریاحی و روشنی مقدم به عنوان اعضای موظف هیات مدیره گروه خودروسازی سایپا قلعه بانی اعلام کرد که مدیرعامل دست بسته نخواهد بود. به قهر دفتر را ترک کرد و عملاً کرسی را به ریاحی دوست قدیمی وزیر صنایع و معادن واگذار کرد. صحبت امروز و فردا بود که ریاحی در دفتر مستقر شود. تا سروش آمد بمان که ماندن بقا و رفتن عدم تو است. یارانش در تارنماهای مجهول، اخبار جعلی ساختند و چند تنی از نمایندگان به حمایتی رقیق برخاستند. ریاحی را به یکی از چهره های درخشان اصلاح طلب منسوب کردند تا شاید در فضای دولت نهم سوزانده شود. روابط عمومی سایپا اطلاعیه داد که قلعه بانی با دولت همسو است و می ماند. اما رای هر پنج عضو هیات مدیره گروه بر ریاحی بود و مدعای قلعه بانی برای ماندن رسیدن «ندا» از مافوق وزیر. مهدی مفیدی (رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران)، ریاحی و روشنی مقدم (نمایندگان سازمان در هیات مدیره)، مهرداد بذرپاش (مشاور رئیس جمهور و نماینده تامین اجتماعی و بازنشستگی) و مسعود حجاریان (نماینده گروه بهمن) میثاق تغییر مدیر را امضا و ابلاغ کردند. همایون ریاحی در حالی برای استقرار آماده می شد که تاریخ در حال تکرار بود و خاطره برکناری واعظی رئیس اسبق سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران در شرف بازوقوع. دیروز وقتی صدها سهامدار حقیقی سایپا برای شرکت در مجمع عادی سالیانه به سالن همایش های رازی رسیدند با اطلاعیه سازمان گسترش به عنوان بزرگترین سهامدار گروه مبنی بر لغو مجمع روبه رو شدند. شنیده ها از بیم سازمان از بروز تشنج در جلسه مجمع حکایت می کند. قلعه بانی آخر هفته پیش به دنبال رویت حکم ریاحی برای دومین بار با خداحافظی از همکاران، دفتر را ترک کرد و به همراه خانواده عازم شمال شد. در سواحل خزر بود که از تهران اطلاع رسید جلسه تودیع صبح شنبه (۱۷ تیر) در سالن جلسه دفتر مدیرعامل برگزار خواهد شد. به احتمال نزول سروشی دیگر از نهاد ریاست جمهوری و به بهانه سفر خانوادگی از حضور در مراسم امتناع کرد. هنوز مکشوف نیست که چه در تماس های مازندران و تهران گذشت که صبح یکشنبه احمد قلعه بانی به دفتر کار بازگشت و از بلندگوهای شرکت پیام استقرار و ادامه کار او به پرسنل صادر شد. گفت افت تولید در ۱۰ روز اخیر را جبران کنید که من قول از رئیس جمهوری دارم. ریاحی به نشانه اعتراض سایپا را ترک کرد. هنوز از واکنش طهماسبی و هیات مدیره ای که نیمه عمر امضایشان به یک روز نرسید، اطلاعی در دست نیست.

هابل همچنان در انتظار شاتل

آکادمی

سلیمان فرهادیان: فضانوردان مستقر در شاتل فضایی دیسکاوری (که روز سه شنبه هفته گذشته به فضا پرتاب و روز پنجشنبه به ایستگاه فضایی بین المللی ملحق شد) توانستند با استفاده از یک بازوی روباتی یک محموله را از شاتل به درون ایستگاه فضایی منتقل کنند. این محموله شامل مواد غذایی مورد نیاز ساکنان ایستگاه فضایی، یک دستگاه تولید اکسیژن برای تنفس فضانوردان و همچنین مجموعه ای از دستگاه ها و ابزارهای علمی برای انجام آزمایش در وضعیت بی وزنی است. گفتنی است پرواز شاتل فضایی پیش از آن دو بار به علت وضعیت نامطلوب جوی لغو شده بود، تا در نهایت روز سه شنبه پرتاب شد و برنامه اقامت سیزده روزه خود را در فضا آغاز کرد. پرتاب دیسکاوری با موفقیت انجام شد و بدین ترتیب نگرانی های مربوط به نقص در پوشش مخزن خارجی سوخت به پایان رسید. هدف این ماموریت تکمیل ایستگاه فضایی بین المللی است، اما با توجه به نگرانی در مورد

کیفیت عایق های حرارتی سطح شکمی کلمبیا، شاتل با انجام یک مانور سطح شکمی را به سرنشینان ایستگاه نشان داد و آنها با تصویربرداری وضعیت آن را بررسی کردند. در ماموریت سال گذشته دیسکاوری نیز ضمن انجام چنین تصویربرداری هایی مشخص شد که نقصی در سامانه عایق بندی به وجود آمده است و یک فضانورد با انجام یک راهپیمایی فضایی آن را تعمیر کرد. گفتنی است نقص مشابهی در فضاپیمای کلمبیا باعث شد این شاتل لحظه هایی پیش از فرود منفجر شود و هفت سرنشین آن مقابل چشمان خانواده و مرکز فرماندهی پروازهای شاتل کشته شوند. پس از آن حادثه پروازهای شاتل به حالت تعلیق درآمد، اما اکنون که پروازهای شاتل از سر گرفته شده یکی از سرنشینان شاتل به جمع دونفره ایستگاه فضایی ملحق شد تا تعدادشان به سه نفر افزایش یابد. توماس ریتر که سرنشین جدید ایستگاه فضایی است، اولین فضانورد موسسه فضانوردی اروپا است که قرار است شش ماه در ایستگاه فضایی ساکن شود. اگر طبق برنامه های تنظیم شده ساخت ایستگاه فضایی تا سال ۲۰۰۹ به اتمام برسد، تعداد سرنشینان ایستگاه به شش نفر افزایش می یابد. گفتنی است کاهش تعداد پروازهای شاتل در برنامه تعمیر تلسکوپ فضایی هابل که یکی مهم ترین ابزارهای نجومی است، اختلال ایجاد کرده است. بسیاری از منجمان امیدوارند با انجام پروازهای شاتل و تعمیر هابل این تلسکوپ شانزده ساله همچنان به تصویربرداری خود از آسمان ادامه دهد. اما آنها که شیفته آسمان شب هستند می توانند مترصد فرصت مناسبی باشند تا ایستگاه فضایی را که بسیار سریع است و کل آسمان را در چند دقیقه طی می کند، ببینند (حتی با چشم غیرمسلح) چرا که ایستگاه فضایی بین المللی بزرگترین و درخشان ترین ماهواره ساخت بشر است.

اینجا پارک کردن مطلقاً ممنوع است

گزارشگر

سعیده اسلامیه: ۱- دیشب هجدهمین جام جهانی فوتبال تمام شد. برای آنانی که یک ماه زندگی شان را با مسابقات فوتبال تنظیم کرده بودند حالا خلأیی بزرگ در زندگی شان پیدا می شود. یک ماه همه فوتبال دوستان در تب و تاب بودند تا جام به پایان برسد و قهرمان مشخص شود و حالا این اتفاق افتاده و همه شور و هیجان به یک باره به نقطه صفر رسید. حالا همه تیم ها می روند تا از همین حالا برای چهار سال دیگر برنامه ریزی کنند تا قدرتمندتر و آماده تر حاضر شوند. حالا ما بعد از دیدن این همه بازی های خوب و درجه یک باید به پرسپولیس و استقلال فکر کنیم و منتظر نتیجه بازی پرسپولیس و سپاهان در لیگ حذفی باشیم تا ببینیم نماینده نصف و نیمه ایران در آسیا کدام است. کاش مسئولان ایران هم از همین حالا فارغ از همه دعواهای داخلی و خارجی فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی و... به فکر جام جهانی باشند. به فکر صعود به مرحله های بعد باشند و به آن بالا بالاها فکر کنند. هر چند کسانی که می خواهند به بالا برسند باید فکرهای بزرگی در سر داشته باشند.

۲- کنکور امسال کنکور عجیبی بود که اتفاق های عجیب و غریبی به همراه خودش داشت. کنکور سراسری برای اولین بار از روزهای پنجشنبه و جمعه که همیشه برگزار می شد به روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه منتقل شد. همین انتقال عجیب باعث شد که مشکلاتی برای داوطلبان به وجود آید. شاید مسئولان از آنجا که تجربه برگزاری چنین امتحان بزرگی را نداشتند به خیلی چیزها فکر نکردند از جمله اینکه ایام معمولی هفته به خصوص شنبه و یکشنبه که اوایل هفته هستند با ترافیک سنگین صبحگاهی و عصرگاهی همراه هستند. شاید برای همین بود که روز شنبه گذشته چند نفر از داوطلبان به جلسه دیرتر رسیدند و حوزه امتحانی هم پنج دقیقه درها را زودتر بست و همین شد که این چند نفر پشت درهای بسته ماندند و اعتراض، فریاد، گریه و التماس به جایی نرسید و برای همین یک سال زحمت و درس خواندن برباد رفت. حالا همه اینها غیر از اتفاق های باز هم عجیب برخی شهرستان ها بود که در یکی سئوالات امتحانی با چند ساعت تاخیر رسید و در حوزه استانی دیگر شماره صندلی و کارت و پرسشنامه با هم یکی نبود. عده ای هم برای کنکور دانشگاه آزاد با بدشانسی مواجه شدند. برای آنانی که جمعه ظهر شال و کلاه کرده بودند که به رودهن بروند تا در کنکور آزاد شرکت کنند پل جاجرود شکست. جاده یک طرفه و ترافیک سنگین شد و عده ای پشت ترافیک ماندند و به حوزه امتحانی نرسیدند. برای آنان هم زحمت یک ساله درس خواندن بر باد رفت مگر آنکه مسئولان فکری برای آنان بکنند.

۳- خیابان جردن یکی از آن خیابان هایی است که بی خود و بی جهت همیشه در آن ترافیک سنگین است. این جدای آن عصرها و شب هایی است که جوانان در جردن جمع می شوند تا اتومبیل سواری کنند و دور بزنند و... در یکی از همین فرعی های جردن برحسب اتفاق دو روزنامه واقع شده که در بلواری است بن بست به نام گلشهر. خیابانی که محل گذر هیچ کس نیست مگر افراد محلی، که یا محل زندگی شان در این خیابان است یا محل کارشان ولاغیر. از آنجا که این خیابان بلوار است بنابراین جای پارک بیشتری در آن یافت می شود. خلاصه اتفاق افتاده این است که از اول تا آخر آن تابلوی پارک مطلقاً ممنوع کاشته اند (در دو طرف) و آقایان پلیس روزی چند بار از بالا تا پایین برگه های جریمه را روی شیشه خودروهای پارک شده می نشانند. اما هیچ کدام از این آقایان نمی گویند ماشین هایی که اینجا نباید پارک شوند پس کجا باید پارک شوند. آیا پارکینگی برای این همه ماشین تدارک دیده شده؟ و البته این پارک ممنوع به نظر هیچ توجیهی ندارد. زیرا این خیابان بن بست است و هیچ ماشین گذری از آن نمی گذرد. البته فکر نکنید که چون روزنامه شرق و ضمائم همشهری در این خیابان است ما درباره آن نوشتیم.

دود در اهتزاز

نگاه طراح

جمال رحمتی

تئاتر و مردم

علی نصیریان: نکته اول- نمایش هنگامی اتفاق می افتد که: بازیگر و تماشاگر دو عنصر اصلی نمایش با هم مواجه شوند. بازی ساز و بازیگر نمایش می سازد ولی بدون حضور تماشاگر اتفاق نمایشی رخ نمی دهد. اشاره به این نکته دارم که عامل تماشاگر در کار نمایش عاملی تفکیک ناشدنی از این هنر است و بدون حضور او نمایش معنا پیدا نمی کند. نکته دوم- سکوی خیزش خلاقه بازیگر به عنوان عنصر اصلی نمایش تماشاگر است. حس درونی بازیگر که کاری نمایشی را خلق می کند ارائه آن مقابل تماشاگر است. همه تلاش ها در این راستا برای ارتباط با بیننده و تاثیر گذاری بر او چه از لحاظ اندیشه و چه از لحاظ شکل و ساختار است. بنابراین صرف نظر از نقطه نظرهای دیگر انگیزه بیان نشدنی و غریزی اصلی بازیگر حضور مقابل تماشاگر و ارتباط با او است. بنابراین روشن است که عامل تماشاگر (مردم) در کار نمایش تا چه اندازه اهمیت دارد و صرف نظر از مسائل مادی کفه ای از دو کفه ترازوی نمایش به حساب می آید که بدون آن تناسب و تعادل برقرار نخواهد بود. پس نمایش ساخته می شود برای دیده شدن (مردم) و برای ارتباط هر چه بیشتر با مردم، باید به فرهنگ و هویت تاریخی، ملی، دینی، آئینی و اجتماعی آنها عنایت کرد و عامل بسیار مهم زبان، که یکی از نشانه های ارتباط است گرچه همدلی گاه از همزبانی عبور می کند. همدلی با مردم برای لذت بخشیدن به آنها از نمایش به معنی نازل شدن و ساده پسندسازی و خدای نکرده ابتذال نیست. همدلی با مردم پاسخ به نیازهای روح و جان آنها است که تشنه دیدن مصائب و مسائل و قوت و ضعف ها و هویت خودشان هستند. اما به زبان هنر که جدای از زبان روزمرگی است و جذابیت و تاثیرگذاری ماندگار دارد. برای رسیدن به لب مطلب و ختم کلام به نکته ای اشاره می کنم که محمد گلندام به طور موجز در مقدمه جامع دیوان حافظ درباره لسان الغیب بیان می کند: «... مذاق عوام را به لفظ متین شیرین کرده، و دهان خواص را به معنی مبین نمکین داشته. هم اصحاب ظاهر را بدو ابواب آشنایی گشوده و هم ارباب باطن را ازو مواد روشنایی افزوده. و در هر واقعه سخنی مناسب حال گفته و برای هر معنی لطیف غریبه ای انگیخته و معانی بسیار به لفظ اندک خرج کرده و انواع ابداع در دُرج انشا دَرج کرده...» اگر بتوانیم به آن دست یابیم گوی مقصود را در ارتباط با مردم روبه ایم. همانطور که خواجه شمس الدین محمد پس از چند قرن هنوز در خم چوگان دارد.

صحنه

دست پدر متقلب رو شد

وصال روحانی: یک پدر بی رحم آمریکایی که به دو فرزندش سم خورانده بود تا بتواند علیه یک شرکت تولید خوراک سوپ به دادگاه شکایت کند و با نسبت دادن قضیه به آنها غرامت کلانی بگیرد، در یک دادگاه محکوم شناخته شد و باید به زندان طویل المدت برود. این دو بچه ۳ سال و ۱۸ ماه سن بیشتر ندارند و بر اثر اقدام پدرشان که مردی ۴۰ ساله به نام آلن کانینگهام است، کار آنها طی ماه های اخیر به ۳ بار بستری شدن در بخش اورژانس بیمارستان هایی در شهر آتلانتای آمریکا کشیده شده است. در مرتبه سوم آثاری از داروهای پروزاک و آمیتری پتیلین در بدن این کودکان عیان و در نتیجه دست پدر متقلب رو شد.

نام جریمه ای لغو شد

چه خبر

یک پدر ویتنامی پس از قریب به دو دهه به مسخره گرفته شدن نام پسرش تصمیم به تغییر اسم وی گرفته است. نام پسر وی «جریمه ۶۵۰۰تایی(!)» بود که این مرد ویتنامی در اعتراض به جریمه شدنش برای نادیده گرفتن سیاست «پرهیز از داشتن دو فرزند بیشتر» در ویتنام، برای پسرش برگزیده بود. پسر او در سال ۱۹۸۷ به دنیا آمده بود و وقتی دولت ویتنام او را بابت عدم رعایت این سیاست و دستورالعمل و داشتن فرزندانی بیشتر از حد مجاز جریمه کرد، وی نیز خشمگین شد و این نام را که نشان دهنده میزان جریمه او بود، برای فرزندش برگزید.

چمن زنی رایگان برای کاستن از وزن

یک مرد بسیار چاق در آمریکا که دارل نلسون نام دارد، برای اینکه لاغر شود، حاضر است چمن خانه مردم را به رایگان کوتاه کند. او ابتدا این کار را با چمن خانه خودش انجام داد و حس کرد که چند گرم سبک تر شده و در نتیجه از دیروز به روی وب سایت شخصی اش یک آگهی گذاشته که در آن اعلام شده است برای داشتن تحرک بیشتر و کاستن از وزنش حاضر است به باغ و باغچه خانه دیگران برود و با ماشین چمن زنی اش در آنها هم دوره بیفتد و از ارتفاع چمن آنها نیز بکاهد. نلسون قهرمان سابق رشته وزنه برداری است و ۱۶۰ کیلو وزن دارد.

سونی کوچکترین کامپیوتر دنیا را به بازار فرستاد

رسانه

ابوذر معتمدی: جهان در جیب و بر سر انگشتان شماست، این شعار شرکت سونی برای کوچکترین، کم حجم ترین و سبک ترین کامپیوتر جیبی دنیا است. VAIO UX با پردازشگری به قدرت ۱/۲ مگاهرتز و حافظه MG512 و سخت دیسک GIG30 با قیمت ۱۸۰۰ دلار انقلابی جدید در دنیای تکنولوژی به حساب می آید. صفحه نمایش ۴/۵ اینچی آن با رزولوشن ۶۰۰ × ۱۰۲۴ هماهنگ با تکنولوژی برتر (XBRITE) است که شفافیت بیشتری برای تصاویر فراهم می کند. پردازشگر اینتل آن امکان قرار گرفتن پردازنده های Centrino را هم ممکن ساخته است. محقق شدن استفاده از قابلیت ویندوز حرفه ای در چنین حجمی از کامپیوتر، امکان بهره برداری بهتر و راحت تر را برای کاربران مهیا می کند، مسئله ای که سال ها آرزوی کاربران عادی و البته طرفداران مایکروسافت در عرصه نرم افزاری بوده است. بازار خوب محصولات شنیداری شخصی در ساختار این کامپیوتر مدنظر بوده، حجم کم VAIO UX و فضای نسبتاً خوب GIG30 این امکان را می دهد که کاربران به عنوان یک MP3 player چندکاره از این کامپیوتر استفاده کنند. پورت های ورودی و خروجی مختلف تعبیه شده که مشتمل بر ۳ پورت usb، خروجی تلویزیونی، خروجی i.LINK، VGA، Ethernet است از موارد جلب توجهند. عکاسی در محیط های مختلف از مسائل همه گیر و تابع دنیای تکنولوژی است. شرکت سونی با قرار دادن دو دوربین متفاوت امکان عکاسی، استفاده در محیط وب و ذخیره برشی از خاطرات روزانه را به وجود آورده، این قابلیت به همراه میکروفن و بلندگو تشکیل دهنده محیطی کامل برای برقراری تماس های صوتی و تصویری در اینترنت است. برگزاری ویدئوکنفرانس ها با وجود امکانات قوی برقراری ارتباطات شبکه ای بدون سیم (WWAN، WLAN و بلوتوث) در این کامپیوتر تسهیل کننده ارتباطات در دنیای شبکه ای جدید است. امنیت به عنوان یک شاخص در این وسیله در نظر گرفته شده که می توان با اثرانگشت به تمامی فایل های امنیتی دست پیدا کرد. مسیریاب ها از کمک های تکنولوژی برای یافتن راه مناسب است، VAIO UX هم با داشتن مسیریاب GPS قابلیت دیگر از خود به نمایش گذاشته. همه این امکانات در حالی است که این کامپیوتر دارای ابعاد ۱۵ در ۱۰ و ارتفاع ۳/۸ سانتیمتر و چهار ساعت و نیم شارژ باطری و تنها ۵۲۰ گرم وزن است.

مسافران

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

«بشنوید ای دوستان این داستان/ خود حقیقت شرح حال ماست آن». پیر دیر ما حضرت کپورچالی بزرگ قلندر پیژامه پوش این بیت از ملای روم خواند و توجه رفقای یکدلش را به سوی خود جلب کرد: من مسافر نصرالله کپورچالی چیزی حدود چهار ساعت و پنج دقیقه است که لب به چیزی نزدم و پاک مانده ام. من بدن پاکم.

آقای مؤیدی: برادرمان «NA» شده اند. آفرین تبریک عرض می کنم. راستش را بخواهی من هم بدم نمی آید که مسافر بشوم. مخصوصاً اگر شما رابط بنده بشوید...

آقای امیرشاهی: حالا که شما می خواهید ترک کنید ما هم ترک می کنیم. تنهایی که حال نمی دهد...

آقای روشن ضمیر: پس بیایید مسافر دسته جمعی بشویم. مسافران.

آقای مؤیدی: قبل از سفر بیایید یک سوختگیری کامل بکنیم که بین راه کم نیاوریم.

آقای کپورچالی: دفعه قبل هم که قرار بود مسافر بشویم همین پیشنهاد سوختگیری تو کار را خراب کرد.

آقای مؤیدی: سخت نگیر. ما که خدایی نکرده معتاد نیستیم که. یک جوری می گویی «مسافر» که مردم برایشان سوء تفاهم پیش می آید که دور از جان ما ریگی به کفش داریم. دیروز داشتم به زنم می گفتم که الحمدلله چهل سال است که هر روز دارم چای اعلای زعفرانی سناتوری مصرف می کنم اما با اراده ای که داشتم شکر خدا هنوز معتاد نشده ام.

آقای امیرشاهی: ترک هم چندان کار سختی نیست. من تعجب می کنم از آنها که موقع ترک عزا می گیرند. همین خود ما. کم کم سالی دو سه بار داریم ترک می کنیم.

آقای کپورچالی: شماها مسافر بشو نیستید. من هم که تنهایی تا سر کوچه نمی روم چه برسد به سفر معنوی. پس لااقل بساط را چاق کنید که ما مرد حضریم نه سفر.

آقای روشن ضمیر: عین خواجه حافظ که تا یزد نرفته برگشت و گفت دلم از وحشت زندان سکندر بگرفت...

آقای امیرشاهی: از من بپرسی می گویم سعدی هم مسافرت نرفته. این چیزها را الکی از خودش درآورده... او هم اهل سفر معنوی بوده.

آقای کپورچالی: تو فضا دیده اندش. تازه ما را هم دیده اند. میرفتاح می گفت یک ای میل برایش آمده توی آنجا گفته اند که قلندران را جایی که نباید ببینند دیده اند. راستش را بخواهید من یک کمی ترسیدم. آن هم که شماها آخر اراده و تصمیم...

آقای مؤیدی: نگران نباش. کسی با ما کاری ندارد. این حرف ها مشکل میرفتاح است خودش هم باید حلش کند. کی دستش به ما می رسد؟

آقای کپورچالی: این میرفتاح هم ما را علاف خودش کرده. چشمش کور، دندش نرم. می توانست ما را یک شکل دیگر شخصیت بدهد.

اگر این آدم ریگی به کفش نداشت چه مرضی بود که کار ما را به سماور و زغال و چای عطری و سانتریفوژ بکشد. «ما نبودیم و تقاضامان نبود/ لطف او نت گفته ما می شنود» می توانست ما را یک ورزشکار یا یک سینماگر یا یک شاعر یا یک هنرمند بسازد.

آقای روشن ضمیر: اینجوری که بدتر بود. عمل طرف که سنگین تر می شد. اگر حالا با یک چای سر و ته قضیه هم می آد در آن شکل، کارمان با این چیزها راه نمی افتاد. تازه هزینه اش را هم نمی توانستیم تامین کنیم. مگر شرق چقدر پول می دهد؟

آقای امیرشاهی: بفرمایید مگر شرق چقدر پول نمی دهد؟

آقای مؤیدی: سفرش هم سخت تر بود. لاکردار ترک کردنی نیست. کارت با ان ای که راه نمی افتاد هیچ خونت را هم عوض می کردی کاری از پیش نمی بردی... باز هم دم میرفتاح گرم که ما را سرگردان عوالم دیگر نکرد.

آقای کپورچالی: با همه این حرف ها باید به سفر هم فکر کرد... ولو سفر آخرت.

مجله

فردینان سلین در بخارا

به مناسبت یکصد و دوازدهمین سالگرد تولد نویسنده برجسته فرانسوی لویی فردینان سلین مجله بخارا ویژه نامه ای را در بررسی و شناخت این نویسنده مهم قرن گذشته تدارک دیده است. ویژه نامه بخارا بخش های متعددی را به جنبه های گوناگون زندگی و آثار سلین اختصاص داده است. سرمقاله بسیار خواندنی به قلم مهدی سحابی تحت عنوان «ای کاش سلین ایرانی بود» آغازگر ویژه نامه سلین است. کتابشناسی و سالشمار زندگی تفصیلی زندگی سلین پژوهش و ترجمه فرزانه قوجلو است. نقد رمان های سلین به خصوص رمان های «سفر به انتهای شب»، «مرگ قسطی» و دیگر رمان های سلین نوشته هانری گدار، برنار استیل، فیلیپ جیان، روبر پوله، آندره دروال، پی یر- ادمون روبر اریک مازه گی بشتل، ژان لوبی بوری، ایزابل بلوندیو و... با ترجمه رضا سیدحسینی، مهوش قویمی، جمشید ارجمند، مهشید نونهالی، خجسته کیهان، امید روحانی، یلدا نیکتافر، رویا رزاقی و زهره میرشریف آمده است. چهار گفت وگوی مفصل و خواندنی با سلین که یکی از آنها به تازگی در فرانسه منتشر شده با ترجمه بهارک نظری، گلنار گلناریان، مصطفی خلجی و افشین معاصر در بخش جداگانه ویژه نامه است. گفت وگوی مفصل و خواندنی مهدی یزدانی خرم با مهدی سحابی درباره ترجمه کتاب «مرگ قسطی» آخرین مطلب ویژه نامه سلین است. همچنین مراسمی به مناسبت انتشار ویژه نامه سلین در نشر کارنامه شب دوشنبه برگزار می شود که در این مراسم مهدی سحابی، رضا سیدحسینی، شیدا دیانی و علی دهباشی سخنرانی خواهند کرد. ویژه نامه بخارا در ۵۹۶ صفحه با سردبیری علی دهباشی از صبح سه شنبه در کتابفروشی ها عرضه خواهد شد.

۲۲۰۱۴۰۱۰

شرق نیازمندیهای

انتخاب اول